

خبیص - شهداد

در قسمت شرقی کرمان آنجا که بکویرلوت ختم میشود یک منطقه وسیع و بابرکت و پر آب که طول آن در حدود ۳۵ و عرض آن ۱۵ فرسنگ است قرار گرفته که بنام «بشتکوه» نامیده میشود، مرکز این منطقه «خبیص» است که در زمان شاه ققید بعلت تشابه لفظی این اسم با «خبیث» که بمعنی پلید و آلوده است به «شهداد» تبدیل شد و در قدیم آنرا «بلدة الصالحین» میگفتند.

از آثار باستانی که در خبیص (شهداد) وجود دارد قلعه وسیعی است که تاریخچه افسانه مانند دارد. میگویند بهنگام سلطنت اردشیر بابکان در قلعه دختر کرمان (تپه مرتفعی است در قسمت شرقی کرمان که قلعه مستحکمی بالای آن بوده و از آنار دوره ساسانی است) بکندن چاهی دستور داده شد. پس از چند روز حفاری برای تونل مانند رسیدند و این خبر را بشاهنشاه دادند او هم بتصور یافتن خزائن و ذخایری بلشکریان دستور تفحص و کنجکاوی داد، سپاهیان پس از پیمودن یک شبانه روز راه بروشنائی رسیدند و این روشنائی از حلقه چاهی که در قلعه خبیص بود می تابید، از چاه بالا آمدند و باین منطقه پر محصول و وسیع رسیدند. و نیز روایت میکنند که کارگرانی در زمان پیشین صبحها در چاه فرو می رفتند و در قلعه دختر کرمان بعملمگی مشغول شده شب هنگام بخانه های خود بر میگشتند. این ها افسانه است ولی آنچه که محقق است این است که خبیص (شهداد) در دوره ساسانی دارای آبادی بوده و از

❦ در شماره ششم مجله سال ۲۸ آقای عمادملابری و کیل محترم درجه یک داد گستری در اوضاع ملایر شرحی نوشتند که بسیاری از خوانندگان (چنانکه می گویند و مینویسند) پسندیدند و ستودند.

این مقاله از آقای پور حسینی در باره شهداد است. توقع داریم دیگر فضیای شهرستانها هم بدین روش و سبک اوضاع محلی را که در آن سکونت دارند بنویسند و بفرستند و بر ما و بر خوانندگان منت گذارند.

خرابه هاییکه در قسمت شرقی آن (آقوس) و همچنین از اطلاعاتی که در چهار فرسنگی آن (اندوه کرد) مشهود است این نظریه تأیید میشود .

خبیص در عربی بمعنای چرب و شیرین آمده مولوی میفرماید:

لقمه اندازه خور ای مرد حریص گرچه باشد لقمه حلوا و خبیص

از این وجه تسمیه معلوم میشود که در هنگام تسلط عرب بر ایران این منطقه آباد و معمور بوده و چون محلی گرمسیر است و از این روی بحرستان شباهت دارد عربها آنجا را پسندیده اند و جمعی در آنجا توطن گزیده اند که هنوز هم آثار نژادی آن مشهود است .

فاصله شهادت تا کرمان ۱۸ فرسنگ است. پنج فرسنگ از این جاده غیر شوسه از بیلاق خوش آب و هوای «درختنگان» که در صفاویر آبی بی نظیر است میگذرد و در آنجا مردابها و برکه های سبز و چشمه ساران وجود داشته که از چندی باینطرف بمنظور مبارزه با مالاریا قسمتی از آنها را ساکنین محل خشک کرده اند . از آن بعد هفت فرسنگ دره پر پیچ و خم زیبایی است که در دو طرف آن دو سلسله کوه موازی سر باسماں کشیده و فاصله این دو کوه هیچ جا از یک کیلومتر نمیگذرد . و همین معبر مسیر آب شهادت است که از درختنگان سر چشمه گرفته و با شیب بسیار تندى بدانسوی پیش میرود و در هر چند صد متر چشمه های آب گوارا بدان میپوندد . هر قدر مسافر بیشتر میرود مسافت بین دو کوه کم میشود تا جائیکه از پنج شش متر تجاوز نمیکند. این راه بتصادف پیدا شده و با اصطلاح بازیافتی است . توضیح اینکه در سال ۱۳۱۱ که بارندگی بسیار شدیدی در حدود کرمان شد ، این رودخانه طغیان نمود و آب خروشان چند نفر مسافر را بدست امواج مرگبار سپرد ، منسوب بین گمشدگان راه دره را در پیش

۱- خبیص حلوائی است که از خرما و روغن میسازند و بفارسی «افروشه» گویند . در معجم البلدان از قول حمزه میگوید خبیص معرب «هیج» است . و نیز در همین کتاب قول ابن فقیه را نقل میکند که : در داخل قلمه خبیص مطلقا باران نمیبارد و اتفاق افتاده که شخصی در هنگام باران دستش را از قلمه بیرون نگاهداشته دستش از باران تر شده و بدنش که داخل قلمه بوده است تر نشده است .

گرفتند و خیر آوردند که ضربات شدید آب قسمتی از صخره های دره را با خود برده و جاده مسطحی بوجود آورده ، از آن روز کاروانها بجای اینکه از گذار صعب العبور بگذرند از این معبر که خالی از لطف و زیبایی طبیعی نیست میگذرند ولی اگر مستقیماً کرمان بشهداد متصل شود این فاصله بدوازه فرسنگ هم نمیرسد .

شهداد در آستانه کویرلوت قرار گرفته و بر اثر آب درختنگان و چند رشته آب دیگر، بیشه انبوه از نخل و درختان گرمسیری بوجود آورده و خرمائی در نهایت لطافت دارد که بدبختانه در اثر نداشتن راه ، جز دهات خراسان بازار دیگری نیافته است . وسیله حمل آن هم کاروانهای شتری است که از حدود قاینات و بیرجند حرکت کرده پس از پیمودن شصت فرسنگ لوت بشهداد میرسند این کاروانها - غلات ، گوسفند ، پشم ، آلو ، بادام ، زعفران ، قالی ، کرباس با خود میآورند و با خرما معاوضه میکنند و معامله جنس بجنس زیادتر از معامله نقدی صورت میگیرد .

اخیرا راه اتومبیل روی بطول چهل و پنج فرسنگ با همت مالکین باز شده که هنوز کامیون رو نیست و از لحاظ اقتصادی مقرون بصره نمیشد .

در شهداد و بخش های گرمسیر اطرافش در حدود یک میلیون نخل وجود دارد و اقسام خرمای آن بدوازه نوع میرسد که بهتر از همه « شمسانی » و « رطب بزمانی » است و نیز انواع مرکبات در نهایت فراوانی است و بعکس سایر نقاط ایران پرتقال شهداد فوق العاده شیرین و مطبوع است ولی افسوس که تاکنون وسیله علمی برای تهیه آب پرتقال معمول نشده است . علت شیرینی پرتقال شهداد این است که در سایر نقاط مخصوصا شمال ایران پرتقال و سایر مرکبات را بنا رنج پیوند میزنند در صورتیکه در شهداد مادر مرکبات « بکرانی » است که دارای طعمی شیرین شبیه بلیمو است .

در این منطقه گرمسیر، طبیعت يك شوخی حیرت انگیزی نموده یعنی در فاصله چند فرسنگی بهترین نقاط بیلاقی و سردسیر را بدید آورده که دارای درختان انجیر، گردو ، بادام ، نطنز ، گیلاس ، آلبالو ، زرد آلو و غیره میباشد ، و در ایام تابستان که

گرمی هوا بنهایت می رسد اهالی با پیمودن حداکثر شش فرسنگ بزیر سایه درختان بار دار «سیرج» پناه میبرند که در همان نزدیکی مجاور کوه آتش فشانی خاموش وزیبا، و چشمه سارهای آب گرم که دارای املاح معدنی است وجود دارد. در قسمت شرقی شهداد مجاور لوت قریب به دویست ده و آبادی و قنات است که قسمتی از آن بایر مانده و از حیث زمین و آب بی نظیر است. در فاصله ۷ فرسنگی شهداد معدن نمکی وجود دارد که از لحاظ شفافی و روشنی کمتر نظیر دارد و عمده مصرف نمک استان هشتم از این معدن است. در بیست فرسنگی شهداد منطقه آبادی بنام «کشیت» است که دارای آبی تیره و چرب می باشد، ساکنین محل از روی آب مقداری چربی گرفته در چراغ های نفتی قدیم (بیه سوز) میریزند و استفاده نفتی می کنند و بعید نیست که معادن عظیم نفت در خاک تیره این منطقه نهفته باشد.

جمعیت پشتکوه متغیر و بهنگام زمستان گاهگاه با آمدن کاروانیان خراسان و تمرکز ایلات و خانواده های چوپانی بیکصد هزار نفر میرسد. مردم مناطق گرم پشتکوه تندرست و خون گرم و فعالند ولی اهالی مناطق سرد مالار بانی و تراخمی میباشند. مالکین عمده پشتکوه غالباً مقیم کرمان اند و خرده مالک محلی نیز بسیار دارد که با مجاهدت، بهره وافی از زمین بر میدارند. بخش پشتکوه این استعداد دارد که بصورت شهرستان در آید اگر اولیای امور توجه بیشتری باین منطقه وسیع و با برکت مبدول دارند. وزارت کشاورزی باغ نمونه نسبتاً آبرومندی در آنجا بوجود آورده که انواع درخت گرمسیری پرورش مییابد ولی تکثیر آن هنوز تعمیم نیافته است. طیب تحصیل کرده در این بخش وسیع نیست، فرهنگ توجهی مبدول میدارد امیدست اولیای امور در اجرای برنامه هفت ساله توجهی کامل باین ناحیه وسیع مستعد بفرمایند زیرا آبادی و عمران این قبیل مناطق است که مردم گرسنه ایران را سیر می کند و سطح اقتصادیات مملکت را بالا میبرد.

۱ - نویسنده مقاله که بتحقیق از لیسانسیه های دانشمندان و از جوانان وطن دوست، از صاحب منصبان مستعد ولایت فرهنگ است - اکنون در بخش دور افتاده شهداد خدمت می کند؛ و از این روی در باره فرهنگ باشارتی بس کرده، در صورتیکه در نخستین مقاله شماره اول مجله گفته ایم که بحکم علاقه انتظار داریم در اینگونه موارد نسبت بفرهنگ بتفصیل سخن رانده شود.